

تدفین در دوره ساسانی و استخوان‌های سنگی کازرون

همواره در یکی از گوشه‌های اتاق، فضایی را برای نگهداری استخوان‌های مردگان در نظر می‌گرفته‌اند.

این استخوان‌ها به‌صورت تدفین ثانویه یعنی تدفینی که جسد قبلاً در محوطه دیگری از گوشت و بافت ماهیچه‌ها پاک شده و فقط اسکلت باقی می‌ماند، صورت می‌گرفته است. از دوره آغاز شهرنشینی به بعد به‌خصوص در دوران تاریخی ایران پیش از اسلام، اولین قبرستان به‌صورت منظم به چشم می‌خورد که نشانگر وجود سازمان‌های اجتماعی در امر تدفین است.

در دوره هخامنشی نیز به‌طور کلی در تدفین شاهان به دو نوع تدفین به‌صورت گور دخمه‌های که در دل کوه کنده شده‌اند و مقابر سنگی ساخته شده در فضای باز برمی‌خوریم. برخی از تدفین‌ها نیز به‌صورت تابوتی است و این تابوت‌ها سفالی (به شکل قایق یا وان حمام) بوده و یا تدفین در خمره‌های بزرگ سفالی صورت می‌گرفته که این سنت بیشتر در دوره پارت مرسوم بوده است. با بررسی تابوت‌های سفالی پارت و پیشینه تابوت‌های سفالی در ایران به این نکته می‌توان پی برد که تدفین تابوتی در دوران پارت (تابوت‌های وانی) ادامه سنت‌های پیشین و به‌خصوص دوره ایلام است.

در دوره ساسانیان با رسمی شدن آیین زرتشت به‌عنوان دین رسمی ایران، برخلاف دوران دیگر، تدفین به روش آیین زرتشتی به‌صورت یک آیین محترم شمرده می‌شد از این رو گورستان‌های زرتشتی را اغلب به شکل مجموعه‌ای از



در دوره ساسانیان با رسمی شدن آیین زرتشت به‌عنوان دین رسمی ایران، برخلاف دوران دیگر، تدفین به روش آیین زرتشتی به‌صورت یک آیین محترم شمرده می‌شد از این رو گورستان‌های زرتشتی را اغلب به شکل مجموعه‌ای از استودان‌ها می‌بینیم و تاکنون هم بنای آرامگاه معتبری را که بر گور شاهان ساسانی ساخته شده باشد سراغ نداریم.

به گزارش بیتوته انسان در طول تاریخ به اشکال گوناگون امواتش را دفن کرده است. شکل‌هایی از تدفین وجود دارد که با هنجارهای فرهنگ ایرانی و اسلامی ما ناهمخوان است. باین حال نباید فراموش کرد که ملت‌هایی هم هستند که فرهنگ تدفین ما را نمی‌پسندند. در این میان اما مرگ بی‌پروا ترین و صریح‌ترین سویه زندگی و یک واقعیت مسلم است. به این جهت یکی از مشکلات انسان‌ها همواره این بوده است که مردگان خود را چگونه و کجا دفن کنند.

تدفین در ایران باستان از دیرباز به گونه‌های مختلف بوده است. ساده‌ترین نوع تدفین در ایران، تدفین گودالی است؛ یعنی به‌طور بسیار ابتدایی گودالی کنده و با توجه به فضای گودال، جسد را به حالت جنینی در درون آن قرار می‌دادند. این نوع تدفین مربوط به دوران آغاز نوسنگی (۶۰۰۰ سال پیش از میلاد) است. با کامل شدن استقرار و ساخت اولین روستاها در ایران، تدفین نیز با معماری و ضرورت‌های آن هماهنگ شد و با مصالح خشتی و گلی، تدفین‌هایی را ترتیب دادند. در برخی مناطق نیز



دوزنقه‌ای شکل و برخی چهارگوش و مستطیل شکل هستند. شهرستان کازرون یکی از بخش‌های استان پهناور فارس و به لحاظ موقعیت جغرافیایی در غرب آن واقع گردیده است. این شهرستان در گذشته از اهمیت خاصی در دوره ساسانی برخوردار بوده است و منطقه‌ای زردشتی نشین بوده که تا ۵ قرن پس از اسلام نیز بر دین خود پایدار مانده بودند.

این شهرستان دارای آثار باستانی و جاذبه‌های گردشگری بسیاری است که همگی از اهمیت این شهر در طول تاریخ سخن می‌گویند. از جمله این آثار شهر تاریخی بیشاپور است که در فاصله ۲۳ کیلومتری غرب کازرون و در حاشیه رودخانه باستانی بیشاپور با وسعتی نزدیک به ۲۰۰ هکتار به دستور شاپور اول ساسانی ساخته شده است گستردگی آثار مربوط به دوره ساسانی نشانگر اهمیت این منطقه در این دوره است.

در محدوده این شهر تاریخی علاوه بر بناهای باستانی و نقوش برجسته‌های ساسانی چندین استودان سنگی وجود دارد که تعدادی از آنها بر روی کوه مشرف بر شهر بیشاپور در مجاور قلعه دختر و برخی از آن نیز بر روی کوهی واقع در کنار روستای عمویی در ۵۰۰ متری این شهر تاریخی قرار دارد. علاوه بر این استودان‌ها در قسمت شمالی شهر کازرون نیز تعداد ۸ استودان سنگی (گورسنگی) بر روی صخره کوه... نیز به چشم می‌خورد که مستطیل شکل و دارای ابعاد و اندازه‌های گوناگون می‌باشند و در کنار آنها بقایای سفالینه‌های شکسته به‌وفور دیده می‌شود.

استودان‌های این منطقه مستطیل شکل و دارای کف سنگی و دیوارهای سنگی کوتاه و گاه کمی بلند هستند و هیچ کدام سقف ندارند. در کنار این استودان‌ها بقایای خرده سفال و زیورآلاتی از جنس شیشه و مهره‌های رنگی نیز دیده شده که این امر یکی از عادات زرتشتیان باستان و اعتقاد به حیات پس از مرگ و قرار دادن اشیای شخص مرده در کنار جسد وی را نشان می‌دهد. وجود این استودان‌ها، نقوش برجسته‌ها و مجسمه شاپور اول ساسانی واقع در غاری در این منطقه حاکی از اهمیت و قداست این کوه‌ها در دوره ساسانی است.

بین دارا ونادار و شاه و گدا نیست. ثانیاً، جسد بی‌جان مردگان به‌جای اینکه در زیرخاک پوسیده و طعمه کرم‌ها، موش‌ها و انگل‌ها شود، در مقابل آفتاب خشک شده و توسط پرندگان و لاشخورها خورده می‌شوند.

حتی دیده شده که بسیاری از مردگانی را که در قدیم در دخمه می‌گذارده‌اند، روزهای بعد زنده شده و به میان جماعت بازگردانده می‌شدند. شاید به آن دلیل که فرد در اثر ایست قلبی یا کاهش سطح هشیاری کاملاً از دست‌رفته تلقی می‌شده و حال‌آنکه با تحریک لاشخوران و پرندگان به‌مانند یک شوک، هشیاری خود را بازیافته است.

تا نزدیک شصت سال پیش زرتشتیان ایران در شهرهای کرمان، یزد، تهران و دیگر شهرهای زرتشتی نشین برای از بین بردن تن در گذشتگان خود از دخمه یا برج خاموشان استفاده می‌کردند که برخی از این دخمه‌ها قدیمی و کهنه است و برخی دیگر جدیدتر می‌باشند. پس‌از آن در تهران از میانه دهه ۱۳۱۰ و در کرمان پس از دهه ۱۳۲۰ و در یزد پس از دهه ۱۳۴۰ دخمه‌ها تبدیل به آرامگاه‌ها شدند.

نوع دیگر تدفین در دوره ساسانی استفاده از استودان‌های سنگی است. استودان (استخواندان) جایگاهی است برای انباشتن استخوان اموات و همان گونه که از نام آن پیداست (استو) به معنای استخوان و (دان) به معنای جایگاه است این نوع سازه در حیطه دین زرتشت کاربرد دارد. این استودان‌ها بیشتر در قله کوه‌های کم ارتفاع و یا تپه‌ماهورها ساخته می‌شده تا محلی امن و دور از مناطق مسکونی باشد.

این استودان‌ها در دوره ساسانی برای تدفین مردگان مورد استفاده قرار می‌گرفته بدین‌صورت که اجساد را ابتدا در بلندی‌های کوه و صخره‌ها قرار می‌دادند و بعد از مدتی که قسط استخوان‌های آن باقی می‌ماند آن استخوان‌ها را در داخل استودان‌ها و تابوت‌های سنگی قرار می‌دادند، از این‌رو این قبور را استودان می‌نامیدند. استودان‌ها دارای شکل خاصی نیستند و ممکن است حتی شکل هندسی دقیقی نداشته باشند برخی از آن‌ها دایره‌ای شکل برخی

بوسوزانند. این آیین از آنجا سرچشمه می‌گیرد که چون بنا بر باور زرتشتیان روان فرد در گذشته تا ۳ شبانه‌روز در اطراف و بالای سر کالبد فرد در گذشته در پرواز است تا پس از شب سوم به آسمان پرواز کند در مدت این ۳ شب آتش روشن می‌کنند تا روح پس از مرگ از تاریکی و تنهایی نترسد.

سطح داخلی دخمه به‌صورت پهنه گردی است که تمام آن با تخته‌سنگ‌های بزرگ مفروش شده و به‌طور کلی به چهار قسمت تقسیم‌بندی می‌شود. نوار دایره انتهایی متصل به دیوار پیرامون دخمه مخصوص مردها و نوار دایره میانی بعد از قسمت مردها مخصوص زنها و نوار دایره داخلی بعد از زنها نیز مخصوص کودکان است.

در مرکز دایره، چاه استودان یا استخوان دان است که با سنگ مفروش شده است. وقتی اجساد به‌وسیله مرغان لاشه خور از گوشت و پوست تهی و تحت تأثیر آفتاب کاملاً خشک می‌شد، استخوان‌ها را در آن چاه می‌ریختند تا تبدیل به خاک شود و اینجا بود که توانگر و درویش به هنگام مرگ در ته این چاه یکسان می‌شدند.

طرح و نقشه این دخمه‌ها کلاً یکسان و درودیوار و سطح دخمه مشخصات و اندازه‌های معینی ندارند بلکه برحسب نیاز و جمعیت شهرها و روستاهای زرتشتی نشین بنا می‌شدند.

گیرشمن در کتاب ایران از آغاز تا اسلام به این نکته اشاره می‌کند که پیشینیان مرده را نمی‌بایست به خاک بسپارند یا بسوزانند و یا در آب غرق کنند زیرا بیم داشتند که بدین‌وسیله سه عنصر مقدس زمین، آتش و آب را آلوده سازند پس می‌توان عنوان کرد که عرضه تن مردگان به پرندگان در دخمه از زمان‌های خیلی دور شاید از زمان مادها در سرزمین ایران رایج شده است و هدف پاکیزه ماندن خاک، آتش و آب بوده است.

مسلماً هر روش تدفینی مزایا و مضراتی دارد، بنا به عقیده آن دسته از زرتشتیان که به گذاردن جسد در دخمه اعتقاد دارند، این کار مزایای بسیار دارد که تدفین و خاک‌سپاری ندارد. اولاً، فرقی

استودان‌ها می‌بینیم و تاکنون هم بنای آرامگاه معتبری را که بر گور شاهان ساسانی ساخته شده باشد سراغ نداریم.

آداب مربوط به تدفین اموات در آیین زرتشتی پیوندی آشکار با اسطوره دارد. باید توجه داشت که در دین زرتشت مرگ کار اهریمن و به مفهوم پیروزی وی بر آفرینش نیک است و به این دلیل جسد جای «دیوان» است. در این مسیر هر چه روان فرد در گذشته نیکوکارتر بوده پیروزی اهریمن بر وی دشوارتر و به نیروی اهریمنی بیشتری برای رسوخ کردن به جسد مرده نیاز بوده است و به همین دلیل جسد فرد نیکوکار منشأ بزرگ‌تری برای آلودگی است تا کالبد مرد بدکاری که دست یافتن به مرگ او آسان‌تر است.

بسیاری از آداب مربوط به مردگان با تطهیر از آلودگی، پیوند دارد. از آنجا که تن مرده منشأ آلودگی است، تدفین او در خاک روا نیست چراکه زمین را که عنصری مقدس نزد زرتشتیان است را آلوده می‌ساخته و سوزاندن جسد نیز جایز نیست، زیرا آتش را آلوده می‌کرده است این ایده و عقیده و احترام زرتشتیان به این عناصر باعث تدفین اموات در برج‌های خاموشی (دخمه) و استودان‌های سنگی شده است.

زرتشتیان در گذشته، دور از آبادی، شهر و مکان مسکونی بر روی کوه‌های نه‌چندان مرتفع فضایی را با رعایت آداب و رسوم مخصوص دینی در نظر گرفته و شالوده‌ریزی می‌کردند و حصاری به دور آن بالا می‌بردند. این حصار، دیوار مدور ضخیمی به شکل برج است که از مصالحی نسبتاً محکم و بادوام ساخته شده و به‌وسیله پلکانی از سطح زمین هموار به درب دخمه‌ها متصل می‌شود.

این دخمه‌ها دارای چندین اتاق و احتمالاً ۲ طبقه و یکی از این اتاق‌ها، ویژه آتش‌سوزها و فاصله دخمه از اتاق آتش‌سوزها حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ متر بوده است. کار آتش‌سوزها که معمولاً ۲ نفر بودند عبارت از این بود که از روزی که تن در گذشته را به داخل دخمه می‌سپردند شب‌ها تا ۳ شب در آن اتاق که یک پنجره مستقیماً رو به دخمه داشت از سر شب تا باامداد آتش